



دانشگاه باقرالعلوم
(عصر دولتی - عصر انجمنی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری

پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری

رشته: فلسفه علوم اجتماعی

عنوان:

روش موضوع شناسی پدیده های اجتماعی در فقه حکومتی با تأکید بر اندیشه های آیت الله خامنه ای و شهید صدر

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر نصرالله آقاجانی و آیت الله احمد مبلّغی

استاد مشاور:

دکتر حسن عبدی

نگارش:

عبدالحسین مشکانی

آذر ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری

پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری

رشته: فلسفه علوم اجتماعی

عنوان:

روش موضوع شناسی پدیده‌های اجتماعی در فقه حکومتی با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و شهید صدر

استاد راهنما:

حجت‌الاسلام دکتر نصرالله آقاجانی و آیت‌الله احمد مبلّغی

استاد مشاور:

دکتر حسن عبدی

نگارش:

عبدالحسین مشکانی

آذر ۱۳۹۹

صورتجلسه دفاع

تحمیدیه:

حمد و ثنای بر درگاه و سجده و تعظیم بر پیشگاه خداوندگار عالم که لطف حیات انسانی بر ما ارزانی داشت تا در بارگاه ربوبیت‌اش از فیض بی‌کران‌اش، فزون بر رزق عالم‌گیرش، از منبع لایزال نور او هودجی از علم و معرفت به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت نصیب‌مان گردد. باشد که به انوار قدسیه ایشان، هر قدم و قلم‌مان خدمت نوکرانه‌ای باشد بر بارگاه کریمانه‌شان.

تقدیم:

هیچ را نشاید که تقدیم سلطان کنی...

تقدیر و تشکر

شکر خداوند عالم را که جان و توانی داد تا اندکی بیاندیشیم. سپاس خاندان نبوت را که در ظلّ محبت‌شان، و عطای توفیقات‌شان، قدم و قلم‌مان جان گرفت. قدردان اساتید ارجمندم، حضرات آقایان اساتید معظم آقاجانی، مبلغی و عبدی حفظهم الله که با بذل محبت، از انبان دانش‌شان، بهره‌مندم ساختند و از فضل مثال‌زدنی‌شان، بی‌دانشی، بی‌کنشی و بی‌نظمی‌های مرا تحمل نمودند، خواهم بود. طلب حلالیت از گروه محترم علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم بخصوص استاد محترم دکتر کرم‌اللهی و همکاران‌شان که وعده‌های وفا نشده را تحمل نمودند. از همکاران عزیزم در مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت که در واپسین روزهای نگارش رساله جور مرا کشیدند؛ علی‌الخصوص استاد میرمعزی و برادر ارجمندم آقاسیدعلی اشرف زادگان کمال تشکر را دارم. اما زبان از بیان و قدردانیِ تحمّل کمبودها؛ نبودن‌ها؛ بودن‌های غرق در کتاب و لب‌تاب؛ از سوی همسران گرامی، و فرزندان دلبندم قاصر است. خداوندگار عالم جابر الطاف‌شان باشد.

چکیده

از مسائل اساسی فقه حکومتی، موضوعات پیچیده و کلان اجتماعی است که با توجه به حاکمیت دینی بعد از انقلاب اسلامی، از فقه و فقاہت انتظار می‌رود بتواند احکام پیرامونی آن‌ها را استنباط نماید. اما شناخت پدیده‌های اجتماعی با پیچیدگی‌هایی که دارند، مانند بقیه موضوعات فقهی نیستند که فقیه شناخت آن را با احاله به عرف و یا نظام کارشناسی ذیل سیره عقلاء و رجوع به متخصصین حل و فصل نماید. از سوی دیگر شناخت برآمده از علوم اجتماعی عموماً شناختی جهت‌دار بوده و نمی‌تواند تمامی لایه‌های یک واقعیت را آن‌گونه که فقیه باید ملاحظه نموده و حکم آن را صادر نماید، پوشش دهد. از این روی رساله درصدد است تا با رجوع به روش دو اندیشمند فقیه که دارای نظریه توسعه در فقاہت هستند، روش شناخت واقعیت‌های اجتماعی از منظر ایشان را صورت‌بندی نماید. برای رسیدن به این هدف ماهیت واقعیت اجتماعی از منظر اندیشمند کشف شده و آن‌گاه روش شناخت ایشان نیز به دست آمده است. روشی که عموماً می‌تواند به گونه‌ای توسعه یافته روش استنباط حکم در علم اصول فقه باشد. به دیگر سخن تلاش بر این بود تا روش شناخت واقعیت‌های اجتماعی را با نوعی توسعه در اجتهاد و روش‌های شناخت موجود در علم اصول فقه به قرابت برساند.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، موضوع‌شناسی، اجتهاد، فقه حکومتی، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید صدر

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۴
۱. بیان مسئله.....	۱۴
۲. سوال اصلی تحقیق.....	۱۷
۳. سوال‌های فرعی.....	۱۷
۴. اهمیت مسئله و ضرورت تحقیق.....	۱۷
۵. پیشینه تحقیق.....	۱۸
۶. نوآوری تحقیق.....	۱۹
۷. اهداف تحقیق.....	۲۰
۸. چارچوب مفهومی.....	۲۰
۹. روش تحقیق در این رساله.....	۲۱
فصل اول : مفاهیم و ادبیات نظری.....	۲۳
۱. روش و روش‌شناسی.....	۲۵
۱.۱. روش.....	۲۵
۱.۲. روش‌شناسی یا متدولوژی.....	۲۸
۱.۳. روش و روش‌شناسی در «فقه».....	۳۱
۱.۴. تعریف منتخب روش و روش‌شناسی.....	۳۲
۲. فقه.....	۳۳
۲.۱. فقه در لغت.....	۳۳
۲.۲. فقه در اصطلاح.....	۳۴
۲.۳. تعریف منتخب فقه.....	۳۷
۳. فقه حکومتی.....	۳۷
۳.۱. تعاریف مختلف از فقه حکومتی.....	۳۸
۳.۲. فقه حکومتی و اصطلاحات مشابه.....	۳۹
۳.۳. تعریف منتخب از فقه حکومتی.....	۴۵
۴. موضوع و موضوع‌شناسی.....	۴۶
۴.۱. تعریف موضوع.....	۴۶
۴.۲. پیشینه بحث از موضوع و موضوع‌شناسی.....	۴۸
۴.۳. تقسیمات مفروض درباره موضوع.....	۵۰

۵۳	موضوع‌شناسی در فقه حکومتی.....
۵۸	۵. پدیده‌های اجتماعی (واقعیت‌های اجتماعی).....
۵۸	۵.۱. معنای لغوی.....
۵۹	۵.۲. معنای اصطلاحی.....
۶۲	فصل دوم: چیستی «واقعیت اجتماعی».....
۶۴	۱. مقدمه.....
۶۵	۲. واقعیت اجتماعی در علوم اجتماعی.....
۶۶	۲.۱. نسبت با جامعه و جامعه‌شناسی.....
۷۱	۲.۲. نسبت با دوگانه عین و ذهن.....
۸۰	۲.۳. عاملیت - ساختار.....
۸۲	۳. واقعیت اجتماعی از منظر شهید صدر.....
۸۵	۳.۱. اصطلاحات قریب به پدیده اجتماعی.....
۸۸	۳.۲. تفاوت «پدیده طبیعی» و «پدیده اجتماعی».....
۸۹	۳.۳. تفاوت پدیده فردی و گروهی.....
۹۰	۳.۴. فطرت انسانی و هویت اجتماعی.....
۹۱	۳.۵. عناصر تشکیل‌دهنده جامعه بشری.....
۹۲	۳.۶. نظام اجتماعی.....
۹۳	۳.۷. نیاز انسان، راز آشکال نظام اجتماعی.....
۹۴	۳.۸. استخلاف فراروی از ساختار و عاملیت.....
۹۷	۳.۹. چیستی و ابعاد پدیده اجتماعی.....
۹۸	۳.۱۰. تعریف پدیده یا واقعیت اجتماعی.....
۹۹	۴. واقعیت اجتماعی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای.....
۱۰۰	۴.۱. مفهوم جامعه و جامعه‌سازی.....
۱۰۸	۴.۲. عناصر مهم جامعه.....
۱۱۱	۴.۳. ساختار و عاملیت (انسان، فطرت، ساختار).....
۱۱۵	۴.۴. پدیده‌های اجتماعی.....
۱۱۷	۴.۵. جمع‌بندی و تعریف.....
۱۱۸	فصل سوم: روش شناخت «واقعیت اجتماعی».....
۱۲۰	۱. مقدمه.....

۱۲۱	۲. اصول و ضوابط کلی شناخت واقعیت اجتماعی.....
۱۲۱	۲.۱. مکتب اثبات‌گرایی دورکیمی.....
۱۲۵	۲.۲. مکتب پدیدارشناسی از تفهیمی.....
۱۳۲	۲.۳. مکتب انتقادی.....
۱۳۴	۲.۴. مکتب اجتهادی.....
۱۴۲	۳. فرایند و مراحل شناخت واقعیت اجتماعی.....
۱۴۲	۳.۱. مکتب اثبات‌گرایی دورکیمی.....
۱۴۶	۳.۲. مکتب پدیدارشناسی از تفهیمی.....
۱۵۱	۳.۳. روی بسکار از رئالیسم انتقادی.....
۱۵۸	۳.۴. فرایند حکم‌شناسی در مکتب اجتهادی.....

فصل چهارم: روش موضوع‌شناسی اجتهادی پدیده‌های اجتماعی از منظر شهید صدر و آیت‌الله

۱۶۲	خامنه‌ای.....
۱۶۴	۱. مقدمه.....
۱۶۴	۲. روش فهم پدیده‌های اجتماعی از منظر شهید صدر.....
۱۶۵	۳.۱. اصول کلی حاکم بر شناخت.....
۱۷۴	۳.۲. عوامل مؤثر بر فهم.....
۱۷۶	۳.۳. روش‌های کشف و فهم مورد استفاده شهید صدر.....
۱۹۵	۳.۴. روش موضوع‌شناسی پدیده‌های اجتماعی در فقه نظام.....
۲۰۵	۲. روش فهم پدیده‌های اجتماعی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای.....
۲۰۵	۱. مقدمه.....
۲۰۵	۲. توسعه در منطق اجتهاد.....
۲۱۵	۳. دلالت‌های روشی منطق اجتهاد در شناخت پدیده‌های اجتماعی.....
۲۲۴	۴. گام‌های شناخت مبتنی بر اصول کلی اجتهاد.....
۲۴۳	فصل پنجم: جمع‌بندی و تکمیل عناصر محوری رساله.....
۲۴۴	۱. موضوع‌شناسی پدیده‌های اجتماعی در فقه حکومتی.....
۲۴۴	۱.۱. ماهیت واقعیت اجتماعی.....
۲۴۷	۱.۲. واقعیت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و شهید صدر.....
۲۵۱	۱.۳. ماهیت موضوع در فقه حکومتی.....

۲۵۷	منابع:
۲۵۷	کتاب:
۲۶۲	مقالات:
۲۶۲	نشست‌های علمی:
۲۶۳	مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها:

مقدمه

۱. بیان مسئله

بسیاری فقه حکومتی و برخی فقه سیاسی را اولین علم اجتماعی اسلامی، می‌دانند که به‌رغم پیشینه نسبتاً طولانی این دانش، به جهت فقدان زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، مراحل تکاملی آن به خوبی طی نشده است. در طول تاریخ هر چند تک‌مضراب‌هایی از احکام حکومتی، اجتماعی و سیاسی را در رسالات علماء و نیز رویکرد برخی دیگر از علماء شاهد بوده‌ایم، این دانش هیچ‌گاه فرصت تبدیل شدن به یک رشته مستقل علمی را نیافته است. اینک بعد از انقلاب اسلامی و فرصت تاریخی که فراروی این علم قرار گرفته، تلاش‌هایی در جهت استکمال آن را شاهد هستیم. تولید ادبیات دانشی، شاید اولین افزونه‌ای باشد که فعالیت تمامی اندیشه‌وران در این حوزه به همراه داشته است. این ادبیات شامل مباحثی پیرامون لزوم فقه فرافردی و بایستگی ورود فقه در ساحت‌های فرافردی زندگی انسان به‌خصوص عرصه حکومت می‌شود که اندیشه‌ورزی‌ها و نگاه‌های فراوانی را به خود معطوف داشته است. تلاش در جهت اثبات کارآمدی فقه حکومتی جهت نظام‌سازی و اداره حکومت اسلامی و بهره‌وری از آن در برخی ساحت‌های حاکمیتی و حتی تمدنی، نیز در همین راستا قابل تفسیر است. همچنین کوشش در جهت نام‌گذاری این پدیده و دفاع از عناوین منتخب و نیز ایجاد پرونده پشتیبان کلامی و تاریخی برای این نگرش‌ها و عناوین را می‌توان نشانه خوبی برای شکل‌گیری ادبیات فقه فرافردی در سطح کلان و تمدنی آن دانست. فقه حکومتی، فقه اجتماعی، فقه پویا، فقه نظام، و بالاخره فقه تمدنی عناوینی است که در این ادبیات شکل گرفته است. همچنین تعیین گستره و مؤلفه‌های تمایزبخش این فقه با فقه فردی را می‌توان به‌عنوان گام‌های ادبیات نظری این علم تلقی کرد. «اداره جامعه»، «همه‌شئون حیات فردی و اجتماعی»، «نظام‌سازی»، «تکامل نظامات اجتماعی» و «تمدن‌سازی» مؤلفه‌هایی هستند که این خوانش از فقه خود را متکفل آن‌ها می‌داند. در واقع بر اساس زمینه‌های معرفتی و اجتماعی، رقیقه‌هایی از حقیقت جامع و تمدنی فقه نمود پیدا کرده است. بررسی تاریخ فقه نشان می‌دهد که در روزگاری که تقیه تام حاکم بوده حتی به استنباط احکام فردی هم پرداخته نشده است. با فراهم آمدن زمینه این بخش سامان یافته و فراهم شدن زمینه‌های بیش‌تر فقه فرافردی در سطح خرد مانند روابط بین مؤمنین فعال شده است. در تکنونی دیگر فقه درگیر مسائل فرافردی کلان شده است و اینک که زمینه تاریخی، اجتماعی، معرفتی و ... فراهم آمده در سطح توسعه‌ای خود در پی سامان دادن مؤلفه‌های فقهی تمدن است.

فقه حکومتی در این زمان با ورود در مبانی و مبادی خود از یک سوی فعال شده و از سوی دیگر در حیطة «منطق فهم و اصول فقهی» خود گام‌هایی را برداشته است. در مراحل اجتهادی نیز تک‌مضراب‌هایی در دو ساحت موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی مشاهده می‌شود. در تکنون این علم نیاز به تکمیل این مبادی و مبانی، مباحث اصول فقهی و نیز مباحث فلسفه علمی مانند موضوع‌شناسی به‌شدت لازم و ضروری به نظر می‌رسد. علی‌رغم تفاسیر متعدد از فقه حکومتی، به نظر می‌رسد تعریف متناسب به مقام معظم رهبری^(دام‌ظله‌العالی) از فقه حکومتی در میان اندیشه‌وران این حوزه مطالعاتی جای خود را یافته و تلقی به قبول شده است. در این نگره که

در بخش چارچوب مفهومی توضیح آن خواهد آمد، فقه حکومتی به عنوان رویکردی در استنباط احکام است که تمامی مسائل فقه از طهارت تا دیات را با رویکرد حکومتی و با ملاحظه اینکه «اسلام آمده است تا حکومت کند» بازخوانی و باز استنباط می‌کند. بر اساس این خوانش، فقه حکومتی مشتمل بر تمامی ابواب فقهی است و حتی ابوابی از فقه را که بیش تر فردی تلقی می‌شود را نیز می‌تواند در برگیرد. نظریه فقه نظام نیز که توسط شهید صدر ارائه و توسط شاگردان ایشان بسط یافته است نیز ظرفیت فراوانی در فرایند تکون فقه حکومتی را داراست.

مبثنی بر این نگره‌ها، موضوع علم فقه علاوه بر تکالیف صرفاً فردی مکلفین، شامل احکام واقعیت‌های اجتماعی که در قالب‌هایی چون رفتار اجتماعی، روابط اجتماعی، ساختارهای اجتماعی، سازمان‌ها و نهادهای تشکیلاتی نمود دارد و نیز تکالیف حکومت به عنوان مکلف فرافردی و مسائل حکومتی مکلفین نیز می‌شود.

از سوی دیگر فرایند اجتهاد در علم فقه از دو مرحله تشکیل می‌شود. مرحله اول موضوع‌شناسی است تا بر اساس شناخت دقیق از موضوع و با ارائه آن به ادله، مرحله دوم یعنی حکم‌شناسی آغاز شود.^۱ موضوع به «متعلق به» حکم یا «موضوع علیه» حکم فقهی گفته می‌شود.^۲ در واقع مقصود از «موضوعات فقهی» ممکن است یکی از این دو معنا باشد: ۱. موضوعی که خاستگاه اعتبار آن «فقه» است؛ ۲. موضوعی که «فقه» به آن می‌پردازد، خواه خاستگاه آن خود فقه باشد، مثل صلاه، یا خاستگاه آن خارج از فقه، مثل تعاملات اجتماعی افراد، باشد مانند «بیمه». در گزاره‌های فقهی که از «متعلق»، «متعلق به»، مکلف و حکم تشکیل شده است اگر متعلق نیز از پدیده‌های اجتماعی باشد، محل بحث رساله خواهد بود. تشکیل قیاس جهت تطبیق این عناوین و موضوعات بر ادله و منابع شرعی توسط علم اصول فقه انجام می‌گیرد؛ اما شناخت موضوعی که بایست حکم شرعی آن از ادله استنباط شود، گامی پیشتر از این مرحله است که اهمیت بسزایی در مَصَاب بودن حکم شرعی دارد. از این روی شناخت موضوع و مرجع شناخت آن محل بحث فقهاء در طول تاریخ فقهات بوده است. علی‌رغم دیرپا بودن این مسأله در فرایند اجتهاد، به جهت مبانی اجتهادی متفاوت و نیز پیچیده‌تر شدن موضوعات مبتلابه مکلفین، به‌خصوص در سطح فرافردی و حکومتی، اختلافات و نگره‌های متفاوت و گاه غیرمنفح حاکم است. این اختلافات و پیچیدگی در چند سطح اتفاق افتاده و موضوع‌شناسی را در محل نزاع و بحث فقها کم‌تر وارد کرده است.

۱. در هر گزاره فقهی چهار مفهوم وجود دارد: ۱. حکم: ظهور و بروز اراده تشریعی شارع، مثل وجوب صلاه، ۲. موضوع حکم: آن چه فعلیت حکم شرعی بر آن توقّف دارد، مانند مکلف عاقل بالغ که معمولاً در احکام شرعی وجود آن مفروض گرفته می‌شود. ۳. متعلق حکم: آن چه که حکم به آن تعلق گرفته است، در احکام تکلیفی مثل وجوب صلاه، خود صلاه متعلق حکم است. ۴. متعلق موضوع: آن چه که در قالب وصف، قید، شرط، و ... دایره موضوع حکم را ضیق کرده است، مانند «یومیّه» در صلاه یومیّه.

۲. لازم به ذکر است موضوع در علم فقه با اصطلاحات گوناگونی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در اینجا این اصطلاح مد نظر است. در بخش چارچوب مفهومی و نیز مفاهیم به تفصیل بیان خواهد شد.

اختلاف پیرامون ماهیت پدیده‌های اجتماعی به عنوان نظریه پشتیبان روش موضوع‌شناسی، مزید بر علت شده است. در این مسأله اقوال در بین دانشمندان علوم اجتماعی و اندیشه‌وران دینی و مجتهدین فراوان است. روشن شدن ماهیت پدیده اجتماعی از آن جهت مهم است که بر اساس سوگیری در این باره، روش شناخت آن نیز بالتبع دچار دگرگونی می‌شود. هرچند در میان اندیشمندان مسلمان شیعی از قبیل نظریه اعتباریات علامه طباطبایی^(۵)، نظریه سید منیرالدین حسینی الهاشمی، نظریه نظامات اجتماعی شهید صدر و ... اندیشه‌های قابل طرحی وجود دارد اما در این رساله به جهت این که دو اندیشمند فقیه بوده و نیز صاحب نظریه جدید در عرصه تحوّل فقه باشند، حول اندیشه‌های شهید صدر به عنوان نظریه پرداز فقه هظام و فقه‌النظریه و صاحب آثار تطبیقی در واقعیت‌های اجتماعی و نیز آیت‌الله خامنه‌ای به جهت تأکید بر نظریه فقه حکومتی و تحوّل در سامانه اجتهاد، و نیز امتدادحاکمیتی این نظریه در فقهت و مدیریت‌شان، سخن گفته شده است.

شهید صدر با طرح تحوّل طولی و عرضی در فقه و تقسیم فقه به فقه موضوعات و فقه نظامات، افقی فراروی تفاوت شناخت موضوعات فقهی از حیثیت‌های گوناگون را گشوده است. ایشان بر این باورند که شناخت صرف موضوعات به ما هو موضوعات نمی‌تواند فقیه را به حقیقت موضوع آن‌گونه که بایسته است رهنمون شود. از این روی ایشان پیشنهاد می‌دهند که موضوعات را باید درون نظامات شناخت. در واقع موضوع از آن جهت که درون نظام متناظر با خود قرار دارد باید شناخته شود. اینجاست که مثلاً حکم یک موضوع اقتصادی درون نظام اقتصادی غیر از حکم آن موضوع به ما هو موضوع خواهد بود. در این نگره، شناختی از موضوع برای فقیه حجیت دارد و می‌تواند در فرایند استنباط حکم شرعی قرار گیرد که درون نظامات متناظرش شناخته شود. همچنین استفاده از روش منطق ذاتی از یک سوی و نیز روش تفسیر موضوعی از سوی دیگر نگاه ایشان را در موضوع‌شناسی چندین گام پیش برده است. رسیدن به فقه‌النظریه در نهایت، فقه حکمی ایشان را به فقه مبتنی بر نظریه تبدیل کرده است.

آیت‌الله خامنه‌ای پیرو نظر امام خمینی^(۵) یک گام فراتر از شهید صدر را نشانه گرفته‌اند. ایشان با طرح موضوعات در راستای رسیدن به حیات طیبه و سرپرستی امت اسلامی، واقعیت‌های اجتماعی و شناخت آن‌ها را به گونه‌ای متکامل تر ترسیم می‌نمایند. این نگاه می‌تواند حتی جایگاه یک موضوع از حیث تمدنی را با جایگاه آن موضوع از حیث ارتباط با نظامات متناظر تغییر دهد و بالتبع حکم آن نیز تغییر خواهد یافت. نگاهی که ایشان به واقعیت‌های اجتماعی دارند از یک سوی، و نگاه فراگیری که به تکامل طولی و عرضی فقه دارند از دیگر سوی، و نظر پیرایه‌ای که نسبت به علوم انسانی موجود دارند از سوی سوم، سامانه موضوع‌شناسی ایشان و فرایند شناخت آن را ارتقاء بخشیده است. حتی در فرایند استظهار لفظی که در مفهوم‌شناسی کاربرد دارد نیز می‌توان اندیشه دیگری از ایشان را مشاهده کرد و آن کشف مفهوم نهایی لفظ، از طریق دقت مضاعف در منابع دینی است.

به عنوان مثال بسیار ساده می‌توان به خرید و فروش اوراق بهادار اشاره کرد. فقه موضوعات به صرف اینکه شرایط بیع و شرایط بایع و مشتری مهیاست حکم به حلّیت این معامله می‌نماید. در فقه نظام نیز با توجه به عدم

جایگاه این خرید و فروش در نظام اقتصادی حکم دیگری در این باره ارائه می‌دهد و جهت حلیت آن شرایط جدیدی را وضع می‌نماید. احتمال اینکه نگاه تمدنی و ملاحظه برخی شرایط فراملی باعث دگرگونی مجدد حکم شود دور از ذهن نیست.

این رساله متکفل این است که بتواند در نهایت روش و فرایند شناخت واقعیت‌های اجتماعی که موضوع فقه حکومتی قرار می‌گیرند را بازشناسد. از این روی ابتدا با مروری بر ادبیات واقعیت اجتماعی در علوم اجتماعی فضا را جهت تعریف و بازتعریف واقعیت اجتماعی از نظرگاه دو فقیه متفکر و اندیشمند تحوّل آماده سازد. با دست آمدن نگره این فقها به واقعیت اجتماعی می‌توان روش‌های شناختی که این دو طی مباحث فقهی - حکمی و یا حکومتی و مدیریتی داشته‌اند را ترسیم نموده و احیاناً تکمیل نماید.

بنابراین در این رساله با سه مفهوم محوری مواجه هستیم که دنبال ایضاح آن‌ها از منظر فقه‌های اندیشمند خواهیم بود. یکم) ماهیت واقعیت اجتماعی؛ دوم) موضوع‌شناسی در فقه حکومتی؛ ۳) روش و فرایند شناخت واقعیت اجتماع.

۲. سوال اصلی تحقیق

روش موضوع‌شناسی واقعیت‌های اجتماعی در فقه حکومتی با تأکید بر آراء شهید صدر و آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

۳. سوال‌های فرعی

سوال اصلی فوق را می‌توان به سوالات زیر تحلیل کرد:

۱. ماهیت و روش شناخت واقعیت‌های اجتماعی در علوم اجتماعی چیست؟
۲. ماهیت و روش شناخت واقعیت‌های اجتماعی و امتدادهای آن در روش موضوع‌شناسی در فقه حکومتی بر اساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کدام است؟
۳. ماهیت و روش شناخت واقعیت‌های اجتماعی و امتدادهای آن در روش موضوع‌شناسی در فقه نظام بر اساس اندیشه آیت‌الله شهید صدر کدام است؟

۴. اهمیت مسئله و ضرورت تحقیق

برخی از ابعاد اهمیت و ضرورت این تحقیق عبارت است از:

تقریب مطالعات در علوم اجتماعی به عنوان علم بیش‌تر توصیفی با علم فقه حکومتی به عنوان یک علم هنجاری و دستوری. با نظر به جایگاه ویژه شناخت موضوع در سامانه استنباط فقیه و در هم‌تنیدگی منطقی موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی و با توجه به شناخت اجمالی که از فقه‌های فقه حکومتی و تمدنی و نیز دو اندیشمند مورد تأکید رساله وجود دارد، نگاه اجتماعی و تمدنی ایشان در مصاف با واقعیت‌های اجتماعی که به عنوان موضوع حکم شرعی نیز قرار می‌گیرند از یک سوی، و ارتقاء سامانه اجتهاد آن‌ها از سوی دیگر می‌تواند مدل جدید از نگاه اجتماعی در فقه را نمایان ساخته و جایگاه فقه در عرصه مطالعات اجتماعی را روشن نماید. با توجه به پیچیدگی‌هایی که در واقعیت‌های اجتماعی به‌خصوص در سطح کلان و توسعه‌ای آن‌ها وجود دارد

بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی با شناخت‌های مبتنی بر روش‌های شناخت علوم انسانی آن‌ها را تعریف می‌کنند. از سوی دیگر برخی از فقها یا در دایره احکام بدان‌ها توجه نمی‌کنند یا اینکه با اعتماد به متخصصی علوم انسانی، توصیف آنان از موضوعات را برای فراهم شدن زمینه صدور حکم کافی دانسته و حجیت‌دار تلقی می‌کنند. اثبات پیچیدگی این واقعیت‌ها، ارائه مؤید برای لزوم ورود فقها در شناخت این واقعیت‌ها و لزوم شناخت موصوف به حجیت از این واقعیت‌ها لازم و ضروری است.

۵. پیشینه تحقیق

در زمینه روش موضوع‌شناسی تقریباً اغلب اصولیون شیعه به صورت پراکنده و اطردادی در تراث شیعی سخن گفته‌اند؛ اما هیچ‌کدام بابتی را به صورت مستقل بدان اختصاص نداده‌اند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین ابوابی از علم فقه شیعه که در آن به صورت اطردادی بحث موضوع‌شناسی و لوازم آن طرح شده است ابوابی مانند حجیت عرف و سیره، الغاء خصوصیت، تنقیح ملاک و مناط، ثابت و متغیر، نقش زمان و مکان در اجتهاد، تبدل موضوع، انقلاب موضوع و ... بوده است. در این قسمت، منابع مربوط به این موضوع را به دو دسته تقسیم می‌کنیم؛

الف) منابع کلی

برخی از آثار منتشر شده که به صورت کلی با موضوع این تحقیق مرتبط است، عبارت است از:

۱. از میان علمای معاصر برخی مانند آیت‌الله مددی و آیت‌الله علی‌دوست در درس خارج خود بدان پرداخته‌اند که البته خروجی مستقلی هنوز به چاپ نرسیده است.

۲. استاد علی‌دوست در چهارگانه خود^۱ به روش موضوع‌شناسی الثفات نموده و مباحث تنقیحی خوبی ارائه فرموده‌اند: در کتاب فقه و مصلحت صفحات ۲۲۰ الی ۲۴۴ چستی موضوع‌شناسی را شرح داده‌اند؛ اما هیچ ورودی به موضوعات پیچیده اجتماعی و نحوه شناخت آن‌ها نداشته‌اند. در کتاب فقه و عقل که بحث مبسوط‌تری ارائه شده است نیز به لزوم شناخت موضوعات پیچیده توسط فقیه اشاره دارند اما باز هم فضایی برای ارائه روش موضوع‌شناسی باز ننموده‌اند. در کتاب فقه و عرف نیز علی‌رغم این‌که بخشی را به موضوع‌شناسی اختصاص داده‌اند و شاید بتوان گفت دقیق‌ترین مباحث پیرامون موضوع‌شناسی در همین کتاب آمده است اما موضوعات اجتماعی و پیچیده مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین هیچ‌کدام از این کتاب‌ها به چستی موضوعات اجتماعی نپرداخته است.

۳. سیدمیرالدین حسینی الهاشمی نیز طی ۴ دوره مباحثی پیرامون موضوع‌شناسی دارند که البته از پایگاه اندیشه‌های فرهنگستان نگارش یافته و به‌رغم ورود در موضوع‌شناسی‌های اجتماعی قابلیت حجیت فقهی آن مورد تأکید قرار نگرفته و فقها بدان توجه ننموده‌اند. این نوشتار منبع بسیار خوبی برای این نوشتار خواهند بود.

۴. استاد مبلغی در مقاله‌ای با عنوان «موضوع‌شناسی در سیر تاریخی از نگاه‌های ابتدایی تا نظریه‌های کاربردی» هر چند پنجره‌هایی به سوی روش موضوع‌شناسی فرافردی می‌گشاید اما این گشایش تنها روزنه‌ای است جهت

۱. فقه و عقل، فقه و عرف، فقه و مصلحت و فقه و حقوق قراردادها

نضح موضوع‌شناسی در فقه حکومتی. ایشان در نوشتاری با عنوان «پیش‌درآمدی بر فقه رسانه؛ موضوع‌شناسی»، فقه رسانه و موضوعات این عنوان را به‌عنوان زمینه مطالعاتی مورد بررسی قرار می‌دهد. این نوشتار مصداقی بخشی از آنچه در رساله در پی آن هستیم را پوشش می‌دهد.

۵. کتاب جایگاه موضوع‌شناسی در اجتهاد نوشته محمدرضا خادیمان نیز بیش‌تر به مباحثی حول چیستی موضوع‌شناسی در فقه پرداخته و مسأله‌محوری کتاب تنقیح موضوع‌شناسی و موضوع‌شناس در فقه و اجتهاد است، هیچ ورودی به روش موضوع‌شناسی هستی‌های اجتماعی نداشته است.

۶. بازخوانی ویژگی‌ها و فرایند شناخت موضوعات احکام فقهی نوشته حجت‌الله بیات؛ که فرایند عمومی فقها را بیش‌تر در فقه فردی ملاحظه نموده است.

۷. کاوشی نو در متصدیان شناخت موضوعات احکام فقهی نوشته حجت‌الله بیات؛ بخشی از مباحث پیرامون متصدی شناخت را بحث نموده و به خوبی از عهده آن برآمده است.

(ب) منابع خاص

کتاب‌ها و مقالات دیگر نیز یا در ساحت فقه فردی هستند و یا به‌صورت مصداقی به موضوع‌شناسی پرداخته‌اند که خود باید طی فرایند روش‌شناسی کشف روند آن‌ها صورت پذیرد:

۱. کتاب موضوع‌شناسی در فقه به کوشش علیرضا فرحناک؛

۲. کتاب‌های موضوع‌شناسی مؤسسه موضوع‌شناسی فقهی؛

۳. کتاب موضوع‌شناسی ربا؛

۴. مقاله «تحلیل جایگاه عرف در موضوع‌شناسی و مصداق‌شناسی فقه هنر»؛

۵. مقاله «بررسی منطق موضوع‌شناسی فقه سنتی در موضوعات مستحدثه»؛

۶. مقاله «موضوع‌شناسی احکام فقهی»؛

۷. جایگاه موضوع‌شناسی در اجتهاد،

۸. مقاله «موضوع‌شناسی فقهی و رابطه آن با علوم دیگر»؛

۹. «تاملی در موضوع‌شناسی غنا»

این موارد جملگی مقالات و رساله‌های در دست‌نگارش و چاپ نیز مشاهده شدند که هیچ‌کدام روش موضوع‌شناسی واقعیت‌های اجتماعی را بررسی نکرده بودند.

۶. نوآوری تحقیق

یکم) تلاش در جهت فعال‌سازی نگاه‌های فقهی در فلسفه علوم اجتماعی و درگیر نمودن فضای ادبیات فقهی با ادبیات علوم اجتماعی به‌خصوص با مفهوم محوری واقعیت اجتماعی؛

دوم) تلاش در جهت توسعه روش اجتهاد در شناخت واقعیت‌های اجتماعی متناظر بر روش‌های شناخت در علوم اجتماعی؛

سوم) نزدیک شدن به نظریه اجتماعی دو فقیه اندیشمند و متفکر.

۷. اهداف تحقیق

برخی از اهداف این تحقیق عبارت است از:

یکم) تعیین مرجع شناخت پدیده‌های اجتماعی در فقه حکومتی؛

دوم) تبیین ماهیت واقعیت اجتماعی از منظر برخی اندیشمندان دینی؛

سوم) بررسی مسئله تکثر روشی موضوع‌شناسی در فقه حکومتی و ملاک حجیت آن‌ها؛

چهارم) ترسیم روش و الگوی موضوع‌شناسی پدیده‌های اجتماعی در فقه حکومتی.

۸. چارچوب مفهومی

رساله حول سه مفهوم محوری حرکت می‌نماید. مفاهیم «واقعیت اجتماعی»، «موضوع‌شناسی فقهی» و «روش شناخت موضوعات اجتماعی» سه مفهوم کلیدی هستند که رساله را سامان خواهند داد. فقه حکومتی در تمامی رویکردهایی که ذکر خواهد شد، خود را متکفل شناخت احکام مربوط به واقعیت‌های اجتماعی می‌داند. از سوی دیگر فقه تاکنون خود را متکفل شناخت خود موضوعات که در اینجا پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی هستند، نمی‌دانست. در رویکرد انتخابی از فقه حکومتی و فقه نظام که در بخش مفاهیم توضیح داده شده است، فقه حکومتی یا فقه نظام، خود را موظف به شناخت موضوعات پیچیده‌ای که عرف قابلیت شناخت آن را نداشته و امکان خطای نظام کارشناسی نیز وجود دارد، می‌داند. بنابراین با توجه به تحوّل که در زمینه برداشت از مأموریت فقه و روش اجتهادی آن به وجود آمده است، شناخت موضوعات پیچیده مانند واقعیت‌های اجتماعی به مأموریت فقها افزوده شده است. از جهت دیگر بر اساس نظریه فقه حکومتی، تمامی عناوین و موضوعاتی که باید در مورد آن‌ها هنجار و دستوری معین و صادر گردد، تحت تکفل فقه حکومتی خواهد بود. به دیگر سخن جهت ایجاد حیات طیبه، فقه متکفل تعیین هنجارها و احکام تمامی موضوعات زندگی بشر است. بر این اساس تمامی آنچه تحت عنوان واقعیت و پدیده اجتماعی شناخته می‌شود که به صورت ارتكازی شامل روابط، ساختارها، کنش‌های اجتماعی و ... می‌شود، احکام ارزشی آن‌ها باید توسط فقه حکومتی معین گردد.

از سوی دیگر، از آن جهت که نوع نگرش به واقعیت‌های اجتماعی از قبیل، مؤلفه‌ها، ارکان، ساحت‌ها و حیثیات، خود بخشی از روش‌شناسی است و همچنین در روش فهم آن‌ها در موضوع‌شناسی دخالت خواهد داشت، ابتدا باید مفهوم پدیده یا واقعیت اجتماعی از منظر فقهای اندیشمند روشن شود. آن‌گاه با توجه به ظرفیت‌های موجود در روش اجتهادی از یک سوی، و امکان ظرفیت‌سازی برای آن از سوی دیگر فرایند جدیدی از شناخت واقعیت‌های اجتماعی را فراروی فقیه قرار می‌دهد. با تحلیل فرایندی که دو اندیشمند، در پی گرفته‌اند، صورت‌بندی فرایندی روش ایشان حاصل خواهد شد.

به دیگر سخن، فقه حکومتی متکفل شناخت احکام تمامی موضوعات زندگی بشر است، واقعیت‌های اجتماعی، از موضوعات زندگی بشر هستند، بنابراین فقه حکومتی باید روش شناخت، واقعیت‌های اجتماعی به

متابه موضوعات فقه حکومتی را ارائه نماید.

روش اجتهادی، که تاکنون بیشتر در حکم‌شناسی مورد استفاده فقها قرار گرفته است، دارای ظرفیت منطقی و نیز ظرفیت اصول فقهی جهت شناخت موضوعات می‌باشد. روشی که در نظر دو اندیشمند مورد تأکید رساله قابلیت تحول طولی و عرضی، یا عرضی و افقی را داراست. در این رساله به روش بیشتر با روش فقه‌النظریه شهید صدر و ترکیب آن با تحلیل محتوای کیفی، و از دریچه حجیت روش اجتهاد، نوع شناخت واقعیت‌های اجتماعی از منظر دو اندیشمند، بازخوانی شده است.

۹. روش تحقیق در این رساله

با توجه به ابعاد متفاوتی که در رساله باید روشن شده و محقق آن‌ها را اصطیاد نماید، در بخش‌های مختلف از روش‌های مختلف و گاه روش‌های ترکیبی استفاده شده است که به تفکیک فصول و بخش‌های آن توضیح داده می‌شود.

فصل اول که به کلیات و مفاهیم می‌پردازد، فصلی کاملاً توصیفی است.

فصل دوم، فصلی توصیفی - تحلیلی است که با توجه به ارتکازات ذهنی محقق و گفتگوهای نخبگانی، به‌گزینی شده است. در بخش مربوط به ماهیت واقعیت اجتماعی از منظر اندیشمند فقیهان، از روش‌های تحلیلی ترکیبی استفاده شده است. البته بیش‌تر مباحث از روش نشانه‌گذاری در فقه‌النظریه شهید صدر^۱ و نیز نمایه‌زنی و تحلیل محتوای کیفی بدست آمده است. در برخی بخش‌ها که داده‌ها و اطلاعات به جهت عدم ورود اندیشمند و یا عدم دستیابی محقق ناقص می‌نمود، با گفتگوی نخبگانی و تحلیل مضمون، تکمیل شده است. در بخش مربوط به روش شناخت واقعیت‌های اجتماعی، با تحلیل فرایند انجام گرفته توسط اندیشمند با روش فقه‌النظریه، در چند مفهوم محوری و ترکیب آن با رویکردهای حاکمیتی از یک سوی و تبیین‌های روشی ایشان در جمع متخصصین از سوی دیگر، سامان یافته است.

فصل سوم در بخش مربوط به روش شناخت واقعیت اجتماعی از منظر علوم اجتماعی بیشتر از روش توصیفی استفاده شده است. اما در بخش مربوط به مکتب اجتهادی، از روش تحلیلی و گفتگوی نخبگانی بهره برده است.

فصل چهارم همان روش کشف نظر اندیشمند در فصل دوم مورد استفاده قرار گرفته است.

فصل پنجم، که فصل جمع‌بندی است مبتنی بر تحلیل مفاهیم محوری سه‌گانه از سه پایگاه یعنی علوم اجتماعی، منظر شهید صدر و منظر آیت‌الله خامنه‌ای و ارائه صورت‌بندی با بارش ذهنی نخبگانی حاصل شده است.

۱. حرکت از روبنا به زیربنا جهت کشف.